

ما در بین یهودیان و با نوعی تنفر نسبت به مسلمانان بزرگ شده بودیم

لیلا حسین نام زنی است که در مصاحبه با شبکه " اهل البیت تی وی " می گوید، به خاطر شیفتگی به زیبایی های حجاب، از دین یهودی به دین اسلام مشرف شده و حجاب کامل را برگزیده است.

مصاحبه زیر، خلاصه ای از گفتگوی لیلا حسین با زهرا علوی (مجری نوجوان شبکه اهل البیت که سرزندگی او مثال نقضی است برای کسانی که حجاب را مایه افسردگی می دانند) است:

لیلا حسین: من ۶ سال قبل به اسلام گرویدم. و من در یک جامعه یهودی نشین زندگی می کردم. خیلی سخت نبود که به حجاب کاملاً اسلامی روی بیاورم. اما اشخاص برداشت های کاملاً متفاوتی نسبت به ایمان دارند. آنها به زنان یهودی بیشتر از زنان مسلمان احترام می گذارند.

زهرا علوی: قبل از اینکه به اسلام روی بیاوری، چه نگرشی نسبت به زنان مسلمان داشتی؟

لیلا حسین: اگه صادقانه بخوام بگم، هرچند ما با نوعی تنفر نسبت به مسلمانان بزرگ شده بودیم، اما همیشه شیفته زنان محجبه بودم و آنها را خیلی پاک و باوقار می دیدم. و از نظر من آنها زیبایی خاص خودشان را داشتند.

زهرا علوی: پس از اینکه به اسلام گرایش پیدا کردی و نوع پوشش اسلامی را پذیرفتی، اولین چیزی که برات الهام بخش بود چی بود؟

لیلا حسین: نخستین چیز که الهام بخش من بود قرآن بود، کلیه شواهدی را که من پیدا کردم نشان دهنده این بود که این، یک دین حقیقی است، چرا که تمامی انبیا و نیز امامت را قبول دارد که از نظر من بسیار مسئله منطقی ای بود. کم کم این دانش و شناخت را پیدا کردم که اسلام تنها بعد بیرونی ندارد بلکه دارای بعد درونی نیز هست و باید از درون هم به حفظ و نگهداری آن پرداخت. خانواده من فکر می کردند که من خودم را دارم محروم می کنم، چون من در فرانسه زندگی می کردم و در آنجا حجاب کاملاً ممنوع است. با پوشیدن روسری، شما نمی توانید به مدرسه و محل کار بروید و از بسیاری از زندگی های اجتماعی محروم می شوید. برای خانواده من بسیار سخت بود که ببینند من تنها به خاطر پوشیدن لباس زندگی ام را به لحاظ اجتماعی به خطر می اندازم. از نظر آنها لازم نبود که من مسلمان باشم و لازم نبود که با پوشیدن روسری مسلمانی خودم را نشان بدهم و کافی بود که تنها قلباً به آن ایمان داشته باشم. اما برای من این مسئله مهم بود چرا که در قرآن و بسیاری از سنت های پیامبر به اهمیت حجاب و شناخته شدن به عنوان مسلمان برای کسب احترام اشاره شده

است. و من حاضر نبودم که آن را کنار بگذارم چرا که برای من چیزی بیشتر از پوشیدن لباس است... کسانی که می‌شناسم حجاب دارند بسیار خوشحال هستند، چرا که این برای آنها یک افتخار است که خودشان را از نگاه دیگران پوشیده نگه می‌دارند.

اگر ایمان شما ضعیف باشد شما این نکته را متوجه نخواهید شد و برای شما مهم نخواهد بود و فقط می‌خواهید که با دیگران اختلاط داشته باشید و می‌خواهید آنطوری زندگی کنید که آنها می‌گویند. مجدداً می‌گویم که لازم است به اصول خود بازگردید و دریابید که چرا مسلمان هستید. چرا که اسلام دینی است که شما باید خود را تطبیق دهید و دینی نیست که توسط والدین به ارث برسد. و از این طریق باید به زیبایی اسلام و نیز زیبایی حجاب برای زنان و فایده آن برای آنها پی ببرید. با وجود رشد روزافزون تبلیغات اسلام‌هراسانه و اسلام‌ستیزانه رسانه‌های غربی، آمارها حکایت از رشد روزافزون گرایش به اسلام در جوامع غربی دارد. به آمارهای انتهای این گزارش توجه کنید.

آنچه که آمارها نشان می‌دهند حاکی از آن است که جمعیت کسانی که به دین اسلام مشرف می‌شوند در همه‌جای جهان روبه افزایش است و مهمتر این که جمعیت زنانی که به اسلام می‌گروند تقریباً دو برابر مردان است.

تحقیقات نشان می‌دهد مهمترین عوامل گرایش بیشتر زنان به دین اسلام، جذابیت حجاب برای آنان بوده و آرامشی که محبه بودن به آنها می‌دهد و پس از آن آداب مسلمانی که برای مردم دیگر ادیان به صورت فطری جذاب است.

مصاحبه با زنان تازه مسلمان شده، بیانگر این است که ابتدا به ساکن آنها با دیدن زنان محبه در جامعه خود به جاذبه زیبایی حجاب و بعد کنجکاوی در مورد اسلام رسیده‌اند و سپس با برگزیدن حجاب برای خود آرامش محبه بودن را درک کرده‌اند. از این روست که دولتمردان اسلام‌ستیز غربی، با درک جنبه تبلیغی که حجاب زنان برای اسلام دارد، زنان محبه را محدود و مهار می‌نمایند. (این مساله بی‌گمان، کسانی که در فرهنگ انقلاب اسلامی رشد کرده‌اند را به حقانیت وصیت شهدا می‌رساند که "خواهران من، دشمن از چادر سیاه شما بیشتر هراس دارد تا خون سرخ من!")

...و این همه در شرایطی رخ می‌دهد که روزه‌روز شرایط با حجاب زیستن در شهرهای اروپایی سخت تر می‌شود. علی‌رغم آن که آزادی زنان برای داشتن حجاب نقض شده و حقوق شهروندی زنان محبه سلب می‌شود؛ میل به مستوری و پوشیدگی در میان زنان جهان در حال افزایش است و این امر به صورت فطری رخ می‌دهد. لذا بنیان آنچه که حاصل تلاش دولتمردان غربی برای مهار رشد اسلام‌گرایی در اروپا صورت می‌گیرد از این رو بر باد است، که آنها با نمادهای ظاهری اسلام همچون مناره‌های مساجد و حجاب زنان مبارزه می‌کنند و حال آن که باطن اسلام ریشه در فطرت انسانها دارد و تاریخ نشان داده که مردم را نمی‌توان بیشتر از مدت کوتاهی وادار به رفتن راه خلاف فطرت کرد.

در نهایت باید این نهیب را به جامعه و خانواده‌ها و سپس مسئولان فرهنگی زد، که آیا مادران محبه جامعه ما توانسته‌اند حکمت داشتن حجاب را به صورت عقلی و فطری به دختران خود (که مادران آینده هستند) بیاموزند؟ از آن جا که بارها در جامعه، مادر و دخترهایی را دیده‌ایم که علی‌رغم آن که مادر با چادر به خیابان می‌آید، دخترش در کنار او با حجاب حداقلی قدم می‌زند، و این نگرانی دغدغه‌مندان فرهنگی را افزایش می‌دهد! اما به هر حال بی‌صبرانه به انتظار تحقق وعده‌های الهی می‌نشینیم که انسان به راه فطرت

خود بازگردد.

فاقم وجهک للدين حنيفا ، فطرت الی التي فطر الناس علیها، لاتبدیل لخلق الی ، ذلک الدین القيم و لكن اکثر الناس لایعلمون (روم/۳۰).

روی دلت را سوی این دین اعتدال گردان و برآن پایدار باش، آیینی برخاسته از فطرت الهی که قلوب انسانها آن را می‌طلبد، چرا که بر آن سرشته گشته، این آفرینش توحیدی تغییر پذیر نخواهد بود، این است دینی که تکیه‌گاهی استوار است، هرچند این حقیقتی است که بیشتر مردم آن را نمی‌دانند.

منبع: شناخت رهبری